



دبیران و مربیان هنر مدارس در گفت‌وگو با مجله رشد آموزش هنر

تخصص؛ گمشده درس هنر

حمید قاسم زادگان

گفت‌وگو

شماره

معلمان و مدرسان با سابقه هنر از چهارگوشه کشور به آن‌ها پاسخ داده‌اند. این واگویی‌های درون شاید بهترین شکل پاسخ‌گویی به این سؤال باشد که در کلاس هنر چه خبر است.

از فرصت استفاده می‌کنیم و با هدف بسط این تجربیات و حتی نقد آن‌ها در انتظار نکات ناگفته و تازه‌ای هستیم که هنوز در سینه معلمان و مدرسان هنر حفظ می‌شود.

شما نیز با ارسال نظریات و تجربه‌های خود در این زمینه، رشد آموزش هنر و سایر همکاران هنری را یاری کنید.

از منظر روش تحقیق علمی، گفت‌وگو و مصاحبه از روش‌های اولیه برای گرفتن بازخورد برنامه‌های درسی و رکن مهم آن، یعنی کتاب درسی، است.

به همین سان، توفیق هر برنامه درسی منوط به اجرای هنرمندانه در متن کلاس درس و مواجهه مستقیم معلم با دانش‌آموزان است. کلاس درس هنر را چگونه آغاز می‌کنید؟ کتاب درس هنر تا چه اندازه راه‌گشا است؟ تجربه‌های زنده و قابل انتقال شما چه مواردی است؟ پیشنهادهای کاربردی معلمان هنر برای مسئولان و دست‌اندرکاران چیست؟ این‌ها پرسش‌هایی هستند که

رشد آموزش هنر

رشد آموزش
هنر
دوره دهم
شماره ۳
زمستان ۱۳۹۱

با توجه به اهمیت گفت‌وگوی مستقیم با دبیران و مربیان هنر در مدارس، فرصت مغتنمی پیش آمد تا در کتابخانه یکی از مراکز تربیت معلم هنر، طی نشست صمیمی با تعدادی از دبیران و مربیان پیرامون تجربیات تدریس هنر در هنرستان و دوره راهنمایی و نقد و تحلیل کتاب‌های پایه‌های مختلف تحصیلی به صحبت بنشینیم. در میان جمع حاضر دو تن از آموزگاران دوره ابتدایی نیز بودند که تجربه چندین سال تدریس در دوره راهنمایی را داشتند.

آزاده دهقانی:

بنده دبیر هنر دوره راهنمایی تحصیلی مدارس خاص شهرستان قروه استان کردستان و دانشجوی ترم دوم کارشناسی هنر هستم. پنج سال سابقه تدریس درس هنر را دارم و به صورت گروهی در کلاس آموزش می‌دهم که این شیوه نتیجه خوبی داشته است. به طوری که دانش‌آموزان هر سال در مسابقات فرهنگی - هنری موفق شده‌اند رتبه‌های برتر استان را کسب کنند. در مورد کتاب آموزش هنر باید بگویم که یکی از مسائل مربوط به آن کمبود زمان است. مثلاً ما برای درس هنر دوم و سوم یک سال زمان داریم اما چون کلاس‌ها دو هفته یک بار تشکیل می‌شوند، من به عنوان معلم حتی چهره دانش‌آموزان را فراموش می‌کنم و باید هر دفعه مجدداً آن‌ها را بشناسم.

مشکل بعدی ما بی‌توجهی و کم‌لطفی بسیاری از مسئولان در وزارت آموزش و پرورش تا ادارات تابعه در شهرستان‌هاست که اصلاً هنر را جدی نمی‌گیرند و عملکردشان نشان می‌دهد که این درس را یک زنگ تفریح و چیزی برای پر کردن ساعت در مدرسه می‌دانند.

بعضی از مطالب کتاب بسیار سنگین است، چنان‌که حتی برای من معلم هم هنوز جان‌فشارده است؛ چه برسد به دانش‌آموز راهنمایی پایه اول که به سختی متوجه درس می‌شود. با وجود این، بحث خوشنویسی مسئله‌ای جدی است. طی بخشنامه‌ای که به ما ابلاغ کرده‌اند، نستعلیق از کتاب حذف شده است. اگر حذف شده، پس چرا هنوز در کتاب چاپ می‌شود؟ در عین حال، من هم‌اکنون بخش تحریری را در کلاس آموزش می‌دهم. البته به این ترتیب که جزواتی را تهیه کرده‌ام و در منزل مطالعه و تمرین می‌کنم. ابتدا حروف الفبا را می‌نویسم و بعد آن را چاپ می‌کنم. در کلاس از روی برگه‌های چاپ شده درس می‌دهم و از تمرین حروف الفبا به کلمات و جملات می‌رسیم. ناگفته نماند که این روش نتیجه خوبی داشت و دانش‌آموزان کلاس من در سال گذشته خطشان خیلی تغییر کرده بود.

خانم بابایی:

من نمی‌توانم ارتباط خوبی با کتاب‌های هنر برقرار کنم. زمانی هم که دانش‌آموز دوره راهنمایی بودم، احساس خوبی نسبت به کتاب هنر و ظاهرش و حتی تصاویر داخل آن نداشتم. الان هم فکر می‌کنم دانش‌آموزان کلاس من همین‌طورند. طرح روی جلد و حتی پشت جلد کتاب هنر با محتوای درس ارتباطی ندارد.

در حال حاضر از تصاویر و کارهایی که در دوره کاردانی داشته‌ام، برای تدریس در کلاس استفاده می‌کنم. گاهی هم خودم کارهایی انجام می‌دهم و از آن‌ها کمک می‌گیرم. به نظرم بهتر است در کتاب از تصاویر جدیدتری استفاده شود.

خانم فرزانه تقریبی:

در مورد مجموعه هشتم که پارسال بخشنامه آن آمد، می‌خواستم توضیحی دهم. یکی از موارد این مجموعه حذف تاریخ هنر ایران و جهان بود اما برای کنکور لازم



من می‌کوشیدم بچه‌ها را با نوع نگاهی که نسبت به یک موضوع دارند، آشنا کنم و بعد در کار همان‌طور که اصول اولیه را می‌گویم، از دانش‌آموزان می‌خواستم تا آزادانه و با برداشت خود، طرحشان را بکشند.

خانم سرعتی:

تنها نکته‌ای که به ذهنم می‌رسد، در مورد خوشنویسی است. در حال حاضر در دوره ابتدایی با دانش‌آموزان خوشنویسی تحریری را کار می‌کنند؛ از این‌رو طبیعتاً این دانش‌آموزان در دوره راهنمایی در درس خوشنویسی تحریری مشکل کمتری دارند، اما در گذشته به این صورت نبود؛ چون ما باید آرام و مرحله به مرحله آموزش می‌دادیم. پیش‌زمینه‌ای هم وجود نداشت اما در رابطه با نقاشی این‌طور نیست؛ ما مرحله به مرحله و از ابتدا تدریس می‌کنیم.

به نظر بنده کتاب هنر دوره راهنمایی اصلاً متناسب با سن دانش‌آموزان نیست؛ یعنی مطالب آن بسیار پیش‌پا افتاده است. مخصوصاً کتاب سال سوم و بحث رنگ‌ها که قبلاً در دبستان مطرح شده است. نکته بعدی به درس طراحی حیوانات مربوط می‌شود که در کلاس دوم مطرح است اما توضیحات بسیار کمی دارد.

خانم سلیمانی:

در جریان تدریس بین هنر و کارآفرینی ارتباط ایجاد کرده‌ام؛ زیرا فکر می‌کنم اگر بچه‌ها از کارهای هنری که انجام می‌دهند درآمدی حتی ناچیز داشته باشند، به آن بیشتر علاقه‌مند می‌شوند.

وقتی کارهای عملی را که خودم انجام می‌دهم به کلاس می‌برم و در مورد آن به بچه‌ها توضیح می‌دهم، علاقه آن‌ها بیشتر می‌شود. آن‌ها حتی بعضی مواقع در ساعات‌های تفریح برای یادگیری به کارگاه نزد من می‌آیند. خانواده‌های دانش‌آموزان نیز از این کار رضایت کامل دارند و به نظر من این شیوه، آثار تربیتی مطلوبی دارد.

در مورد کارآفرینی بهتر است خاطره‌ای را برای نمونه عرض کنم. برای درست کردن گل رُز یک حلقه روبان گل به مبلغ پانصد تومان خریدم. گل را که درست می‌کردم، بچه‌ها در کلاس دیدند و بی‌اراده آن را برداشتند و بوییدند. از آن‌ها پرسیدم چه بویی می‌دهد که در جواب گفتند: «هیچی»، اما من گفتم که این گل بوی نان می‌دهد. آن‌ها خندیدند و من با همان حلقه روبان پنجاه تا گل و سربند برای گروه سرود درست کردم و آن‌ها را به مبلغ ده هزار تومان فروختم که در آخر دویست هزار تومان شد. آن وقت به بچه‌ها گفتم: «دیدید این گل بوی نان می‌داد!» این موضوع برای آن‌ها خیلی جالب بود.

تأثیر کار معلم‌های دوره راهنمایی بر دانش‌آموزانی که



است که دانش‌آموزان حتماً این کتاب را بخوانند.

در ترم اول برای دانش‌آموزان سال دوم متوسطه، شش ساعت کارگاه مداد، رنگ و پاستل گذاشتند؛ در صورتی که مبانی رنگ‌شناسی مربوط به ترم دوم است. بچه‌ها معمولاً در ارتباط با رنگ دچار مشکل می‌شوند؛ یعنی ما در پایه اول علاوه بر تکنیک، باید موارد رنگ را نیز آموزش دهیم. من چند سال پیش پیشنهادی به اداره دادم اما متأسفانه جوابی دریافت نکردم. پیشنهادم این بود که ساعت آزادی را برای مدارس در نظر بگیرند، برای اینکه تعاملی باشد بین همکاران و دانش‌آموزان؛ یعنی بچه‌ها بتوانند در آن ساعت کار آزادی انجام دهند تا از یکدیگر یاد بگیرند و تجربه کسب کنند.

برای ایجاد رغبت من همیشه سعی می‌کردم از روش‌های متنوعی استفاده کنم. برای مثال، در طراحی برای ایجاد ارتباط بهتر، کارهایی از هنرمندان گوناگون و حتی کارهایی را که خودم انجام داده بودم، به کلاس می‌بردم.



الان در کلاس شما هستند، چقدر و چگونه است؟ قطعاً بی تأثیر نیستند. در هنرستان رشته‌های مختلفی وجود دارد اما کسانی که در رشته‌هایی چون طراحی چهره مشغول تحصیل‌اند، زمینه بهتری دارند و به همین دلیل بیشتر پیشرفت می‌کنند. من در حال حاضر می‌بینم که معلم‌های هنر مظلوم واقع شده‌اند، ساعت کمی دارند یا حتی معلم‌های دیگر می‌خواهند ساعت‌هایشان را از آن‌ها بگیرند.

سکینه عفاف گلی:

تا آنجا که امکان دارد، سعی می‌کنیم پایه دانش‌آموزان را قوی‌تر کنیم تا در مقاطع بعدی بهتر عمل کنند، اما همان‌طور که همکاران گفتند، کتاب مشکلاتی دارد. برای مثال، در کتاب هنر به رشته‌های هنری اشاره‌ای نشده است؛ در صورتی که می‌شد بخشی را به رشته‌های هنری اختصاص داد. من در مورد تداخل درس هنر با درس‌های دیگر این پیشنهاد را دارم که می‌شد خط تحریری را با درس ادبیات ارتباط داد؛ یعنی در درس‌های ادبیات از خط تحریری استفاده کرد. بچه‌ها این درس‌ها را می‌بینند و می‌خوانند یا در درس‌هایی چون علوم و حرفه‌وفن کارهای کارگامی دارند و می‌شود بین این درس‌ها و هنر ارتباطی برقرار کرد تا درک مفاهیم هر دو درس بهتر صورت گیرد.

خانم رحیمی:

من فکر می‌کنم شناختی که دانش‌آموزان هنرستانی

از رشته هنر، معماری و گرافیک دارند به اطلاعاتشان در مورد درس هنر دوره راهنمایی برمی‌گردد. اکثر معلمان هنر در دوره راهنمایی، دبیر ریاضی، زبان و غیره بوده‌اند. به همین دلیل بچه‌ها شناختی نسبت به هنر ندارند و در انتخاب رشته اشتباه می‌کنند یا معدل پایین دارند یا به دلیل موقعیت اجتماعی را انتخاب می‌کنند که معمولاً دانش‌آموزان ضعیفی هم هستند.

با این حال، معمولاً در یک ماه اول تدریس، دانش‌آموزان فعال و موفق، مشخص می‌شوند و ما برای مثال، آن‌هایی را که در درس خوشنویسی موفق‌ترند، به سمت انجمن خوشنویسان هدایت می‌کنیم.

لازم است شناخت و آگاهی بیشتری به بچه‌ها بدهیم. در دوره راهنمایی، هنر فقط خوشنویسی و نقاشی تعریف شده است؛ حال آنکه بچه‌ها باید بدانند هنر زیرشاخه‌های دیگری نیز دارد.

خانم شاهسون:

از بین بچه‌ها معمولاً تعداد کمی علاقه‌مندند و آن تعداد هم که تصمیم به انتخاب رشته‌های هنری می‌گیرند، یا از قبل زمینه داشته‌اند یا پدر و مادرشان در زمینه هنر فعالیت دارند و یا به قول همکارم برای موقعیت اجتماعی به سمت هنرستان کشیده می‌شوند. چون در دوره راهنمایی معلم تخصصی برای درس هنر بسیار کم است و به این درس به عنوان زنگ تفریح و وقت فراغت نگاه می‌شود.



هستند تا مسائل هنری. در صورتی که مسائل هنری ذهن بچه‌ها را باز می‌کند و آن‌ها را یاری می‌دهد که درس را بهتر یاد بگیرند. برای نمونه، وقتی من در دوره راهنمایی تدریس می‌کردم، بهترین دانش‌آموزم در درس ریاضی برای کشیدن مکعب مشکل داشت. لذا حتماً بچه‌ها باید از پایه قوی شوند.

خانم شکوهی:

در هنرستان تدریس می‌کنم. بنده البته نظرم را درباره این دوره تحصیلی می‌گویم.

چند نکته درباره کلیه دروس به نظرم می‌رسد که لازم است آن‌ها را توضیح دهم. منبع یکی از زیرگروه‌هایی که تدریس می‌کنم (نقوش اسلیمی) به صورت جزوه تهیه شده که سرشار از اشکال است. دانش‌آموزان همیشه این مشکل را دارند که کار را از کجا شروع کنند یا چگونه گل را بکشند. نقوش اسلیمی مربوط به نگارگری است. چند سالی است که انتظار داریم این منبع را تغییر دهند اما هنوز به جایی نرسیده‌ایم. نکته بعدی در مورد طراحی ۱ و ۲ سال سوم نگارگری است. دو کتاب حدود ۲۲۰ صفحه‌ای را در سال سوم هنرستان قرار داده‌اند. بچه‌ها وقتی شروع می‌کنند، ابتدا اشیای بی‌جان و بعد در رابطه با طبیعت کار می‌کنند. چون رشته‌شان نگارگری است، معلم طراحی که به کلاس این‌ها می‌آید، می‌خواهد بزرگ کار کنند اما این کار برای دانش‌آموزانی که دستشان به ریز عادت کرده، واقعاً سخت است. ما چند بار تأکید کردیم که کتاب ۱ و ۲ برای سال دوم و ۲ و ۳ برای سال سوم باشد اما نمی‌دانیم اصرار مسئولان بر اینکه دو کتاب در سال سوم باشد، برای چیست؟ نکته بعدی در مورد کتاب تاریخ هنر ایران و جهان است که از کلیه رشته‌های هنرستان حذف شده اما در کنکور هست.



در مورد کتاب، پیوستگی مطالب آن کم است و شکل ظاهری جذابی هم ندارد. معمولاً کتاب‌های هنری را که در بیرون می‌بینیم، هم قطع بزرگ‌تری دارند و هم رنگ و تصویر یا نوشته‌هایشان ما را جذب می‌کند اما کتاب هنر دوره راهنمایی این‌گونه نیست. تصاویر سیاه و سفیدند و کیفیت آن‌ها به گونه‌ای است که بچه‌ها را جذب نمی‌کند. بیشتر مواقع خود ما تصاویری را به کلاس می‌بریم تا با ایجاد جذابیت، دانش‌آموز را به ادامه کار تشویق کنیم. در کل، از نظر من در دوره ابتدایی بچه‌ها خلاق‌ترند و ذهنشان بازتر است اما در دوره راهنمایی ذهنشان دچار رکود می‌شود و چون هنر در مدرسه به طراحی و نقاشی خلاصه می‌شود، عده‌ای احساس می‌کنند که اصلاً استعداد ندارند. حتی عده‌ای هم فکر می‌کنند اگر استعدادی هست، فقط در خوشنویسی و نقاشی خلاصه می‌شود.

خانم هادی:

من چندین سال قبل، پس از گذراندن دوره کاردانی در مدارس راهنمایی به عنوان دبیر هنر مشغول به کار شدم اما بعد از سه سال بخشنامه‌ای از وزارتخانه ابلاغ شد که به موجب آن چون ابلاغ اولیه‌ام آموزگاری بود، می‌بایست به ابتدایی برمی‌گشتم. الان در دوره ابتدایی به عنوان معلم بهداشت فعالیت دارم.

شما، با توجه به تجربه خودتان بگویید که نظر همکارانتان درباره اینکه مشکلات بچه‌ها در دوره راهنمایی به معلم‌های دوره ابتدایی برمی‌گردد، تا چه اندازه صدق می‌کند؟ اصلاً چنین مطلبی را قبول دارید؟

با اینکه شکل کتاب فارسی دوره ابتدایی تغییر کرده اما روی خط و نقاشی بچه‌ها تأثیرگذار نیست. علت آن هم این است که همکاران ابتدایی بیشتر به فکر مسائل آموزشی



باشد، برای کشیدن دسته‌های ده‌تایی در ریاضی فقط خط صاف نمی‌کشد.

از همه مهم‌تر، خلاقیت است که از بین می‌رود. براساس تست تشخیصی که از دانش‌آموزان اول راهنمایی گرفته می‌شود، نود و پنج درصدشان کلبه و درخت و گل می‌کشند و اتفاقاً اندازه گل و درختی که می‌کشند یکی است؛ یعنی، حتی اندازه اجزای نقاشی برای آن‌ها توضیح داده نمی‌شود. این دردناک است که دانش‌آموز پنج سال ابتدایی را گذرانده اما مشوقی نداشته است که او را وادارد به بیرون و طبیعت نگاه کند تا در کشیدن تصاویر بهتر عمل کند. متأسفانه یکی از عوامل مهم مشکلات دوره ابتدایی و راهنمایی مشکل کمبود وقت است.

نازنین رضایی:

مدرس چهره‌سازی هستیم. ابتدا کل درس ما نقاشی



عمومی بود اما بعد از دو سال که درس چهره‌سازی تغییر کرد و به همین دلیل، کتاب‌های مبانی هنرهای تجسمی و تاریخ هنر ایران و جهان حذف شدند، معلمان دقیقاً نمی‌دانستند که قرار است در کلاس چه کار کنند. بعد از شش سال تازه متوجه شدند که مسئله بودجه‌بندی در میان است و باید براساس آن حرکت کنند. با وجود این، اگر چه کتابی به عنوان منبع معرفی نشده و همه چیز اختیاری است، اما در پایان سال، امتحان سازمانی برگزار می‌شود. کتاب‌های درسی مشکل دارند. با این همه هر سال برنامه‌های جدیدتری اضافه می‌شود.

راه‌حل شما در این زمینه چیست؟

من استانداردها را در بخشنامه‌ها می‌خوانم ولی به این فکر می‌کنم که چه چیزی به یادگیری دانش‌آموز کمک می‌کند. به همین دلیل براساس توانایی‌ها و استعدادها

خانم عباس‌زاده:

من سه سال است معاون آموزشی مدرسه هستم. برای کتاب هنر در پایه اول راهنمایی دو ساعت وقت تدریس در نظر گرفته شده و کتاب دارای اشکال است. دانش‌آموزی که تازه از پنجم ابتدایی آمده هنوز خط صاف را به درستی نمی‌تواند بکشد، اما در کتاب کشیدن درخت و سایه‌زدن از او خواسته شده است. بعضی از مطالب خیلی ساده است و من همیشه نیم ساعت از وقت کلاس را باید برای دفاع از کتاب بگذارم. بچه‌های ما به‌روزند و مطالب و تصاویر بهتری را می‌خواهند، ولی ما هنوز باید کتابی را که در سال ۶۰ و ۶۵ تألیف شده است، آموزش دهیم.

خانم روشنی:

بنده دوازده سال است که در هر سه پایه دوره راهنمایی هنر تدریس می‌کنم. اهدافی را در سال ۷۹ برای کتاب هنر تصویب کردند و طبق آن باید دروس در کتاب گنجانده می‌شد، متأسفانه فقط تصویب شد و نتیجه‌ای به دنبال نداشت. مثلاً پرورش روحیه زیبایی‌شناسی، توانایی برقراری ارتباط با طبیعت، آشنایی با تاریخ هنر ایران، توانایی تولید محصولات آثار هنری و توانایی نقد هنری جزء اهداف درس است، اما در کتاب درسی دانش‌آموزان اثری از این اهداف مشاهده نمی‌شود. از آنجا که بچه‌ها برای آشنایی با تاریخ هنر مطلب مفیدی را از کتاب‌ها یاد نمی‌گیرند، وقتی وارد دبیرستان می‌شوند، تازه می‌فهمند که هنر چیست. از نظر من حدود نود درصد مطالب و مفاهیم کتاب هنر باید تغییر کند؛ چرا که این مطالب از لحاظ هنری به بچه‌ها کمکی نمی‌کند. توانایی نقد هنری در کتاب‌های هنر ما صفر است. فقط در حدی است که دانش‌آموز کار یا نقاشی هم‌کلاسی‌اش را می‌بیند و می‌گوید که چقدر قشنگ است.

مطلب پایه‌ای در کتاب‌ها وجود ندارد. برای مثال، کتاب می‌تواند طراحی خطوط را در پایه اول ساده‌تر شروع کند و به ترتیب در سال‌های بعد آن را کامل سازد تا وقتی دانش‌آموز به هنرستان رفت دید بهتری نسبت به آن داشته باشد.

به عنوان یک تجربه وقتی دفتر نقاشی بچه خودم را نگاه می‌کردم می‌دیدم که کشیدن یک دایره یا مربع ساده را با او تمرین نکرده‌اند و فرزندم هر دفعه مثلاً یک درخت و خانه کشیده، به نتایج دیگری رسیدیم یا در صحبت با معلمان ابتدایی آن‌ها می‌گفتند که حجم کتاب‌های ریاضی و علوم به قدری زیاد و سنگین است که معلمان ناچار می‌شوند از زنگ هنر استفاده کنند. اگر هنر به خوبی در مدارس آموزش داده شود، تأثیر بسیار مطلوبی در درس‌های دیگر خواهد گذاشت. مثلاً اگر بچه ما در کشیدن نقاشی و اشکال هندسی قوی

پذیرفتم. روال خوبی را در پیش گرفتیم؛ به طوری که در اردیبهشت‌ماه ۹۱ کتابی به نام «نقشینه» از کارهای بچه‌ها چاپ شد؛ بیشتر نقاشی‌های کار شده با آبرنگ و پاستل متعلق به بچه‌های آن کلاس بود. من این کتاب را به عنوان برنامه پژوهشی به اداره فرستادم اما فقط به دادن یک تقدیرنامه کاغذی بسنده کردند.

خانم اسدی:

من دبیر یکی از هنرستان‌های شهری هستم. به نظر من یکی از ایرادهایی که می‌شود به اداره کردن هنرستان‌ها گرفت این است که نه به شیوه هنرستان بلکه به روش دبیرستان نظری اداره می‌شوند. ساعتی که دانش‌آموز توانایی کار کردن در کارگاه را دارد، برنامه ندارد و باید برود، دوباره به کلاس بیاید. این باعث می‌شود او از حس هنری خود خارج شود و دیگر خلاقیتی را که در ساعت اول داشت و می‌توانست تا سه ساعت آن را ادامه دهد، نداشته باشد. به درس‌های عمومی که در هنرستان‌هاست، بیشتر از درس‌های مهارتی اهمیت می‌دهند که خود همین باعث می‌شود بچه‌ها احساس خستگی کنند و در کار عملی، که کار اصلی آن‌هاست، توانایی لازم را نداشته باشند. به همین علت حتی کیفیت کارشان نیز پایین می‌آید. مشکل دیگر استانداردها و کتاب درسی است. بچه‌های کارودانش به



دانش‌آموزانم زمان‌بندی را اجرا می‌کنم.

برای مثال، تعیین شده که درسی را آبان و درس دیگری را در ماه بهمن تدریس کنم اما می‌بینم درس بهمن‌ماه مقدمه‌ای برای درس آبان‌ماه است و قطعاً آن‌ها را جابه‌جا می‌کنم. همه این نکات را به مسئولان می‌گوییم اما متأسفانه ترتیب اثر نمی‌دهند. سال گذشته یک کلاس سوم داشتیم که هیچ معلمی حاضر نبود برای تدریس آن را قبول کند. از من خواستند که فکری به حال این کلاس بکنم. این بود که خودم مسئولیت کلاس را



نسبت بچه‌های فنی و حرفه‌ای کتاب مشخصی ندارند ولی در ارزیابی یکسان‌اند؛ در صورتی که کارودانشی‌ها فاقد منابع مطالعاتی مشخصی هستند، همکاران خودشان جزوه تهیه می‌کنند. فنی و حرفه‌ای‌ها کتاب و منبع مشخص ندارند. در نتیجه وقتی این دو گروه فارغ‌التحصیل می‌شوند با هم مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

خانم روشنی:

در مدرسه همکاران مجله آموزش هنر را ورق می‌زنند. باز خالی از لطف نیست. در گرافیک مبحثی داریم که می‌گوید هنر آموزش نظری و عملی دارد و همین دیدن عکس و مجله هم می‌تواند به ما کمک کند. مثلاً پیش آمده معلم علوم که مجله را ورق می‌زند، از من می‌پرسد که این خط یا این موضوع که مربوط به هنر است یعنی چه. من برایشان توضیح می‌دهم و همین هم فرهنگ‌سازی می‌شود. من همیشه انتظار داشتم در مجلات هنر، روان‌شناسی نقاشی کودکان هم باشد؛ به‌خصوص در دوره ابتدایی. دانش‌آموزی در پایه اول راهنمایی داشتیم که اصلاً صحبت نمی‌کرد، نه در مورد درس و نه چیز دیگری؛ طوری که همه معلم‌ها دچار مشکل بودند. البته من توانستم از طریق نقاشی با او ارتباط برقرار کنم. روان‌شناسی مبحثی است که رشد آموزش هنر می‌تواند به آن بپردازد. اگر در رابطه با کتاب‌های پایه‌های راهنمایی و دبیرستان تصاویری در مجلات کار شود، کمک بسزایی به ما می‌کند.

خانم میر عرب:

من سه سال است که هنر تدریس می‌کنم. درسی که جای خالی آن در کتاب حس می‌شود، مربوط به خطوط است. از طرفی سرفصل‌هایی از هنر تجسمی، خط، نقطه، سطح و حجم را باید در یک درس بگنجانند. دانش‌آموز وقتی می‌خواهد درخت بکشد، خط درخت را با ترس و دلهره می‌کشد؛ چرا که اطلاعات لازم را در مورد خط ندارد.

خانم حقیقت‌جو:

مجلات رشد از نظر اطلاع‌رسانی خوب‌اند. از آنجا که اطلاعات کتاب درسی کافی نیست، مجلات این آگاهی را می‌دهند؛ البته در صورتی که سنگین و خارج از حد دوره مربوطه نباشند. اطلاعات مجله در رابطه با دبیرستان بهتر است. از این رو مطلوب‌تر این است که مجله برای پایه‌های مختلف، متفاوت باشد. مثلاً برای راهنمایی، مینیاتور سنگین است یا معماری که ذکر شده، فقط مربوط به دوره دبیرستان است.

خانم لک: دبیر هنر از نا (لرستان)

برخلاف دیگر همکاران که در مدارس عادی تدریس

می‌کنند، من در کارودانش مدرسه استثنایی متوسطه حرفه‌ای کار می‌کنم.

کتاب‌های هنر بچه‌های آهسته گام (باید این نکته را ذکر کنم که ما به جای استثنایی از کلمه آهسته گام استفاده می‌کنیم) به نسبت مدارس عادی از لحاظ چاپ و محتوا بسیار غنی است اما چقدر خوب می‌شد برای معلم‌های هنر این مدارس کلاس‌های خاصی در رابطه با برخورد با بچه‌های ناشنوا، نابینا یا کم‌توان ذهنی برگزار می‌کردند. خود من در حال حاضر با دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی کار می‌کنم. سال گذشته بخشنامه‌ای در رابطه با نظرسنجی مجلات آمده بود که در آنجا من این پیشنهاد را داشتم که بخشی از مجله به مدارس استثنایی اختصاص داده شود.



خانم احمدی، مدرس هنر:

در هنرستان رشته نگارگری تدریس می‌کنم. این رشته با رشته هنر کاملاً تفاوت دارد؛ چون تخصصی است. گله‌ای که از مسئولان دارم این است که چرا به هنر رسیدگی نمی‌کنند! من امسال فقط چهار تا دانش‌آموز دارم. مسئله این است که هنر از صحنه حذف می‌شود؛ در حالی که علاقه بسیار است. حتی پارسال از بین پنج دانش‌آموزی که داشتم یکی از آن‌ها ناشنوا بود اما استعداد بسیار بالایی در زمینه هنر داشت. با وجود این، مدیر مدرسه ما حقیقتاً با این رشته مشکل دارد و حتی گفته است که سال بعد هنر را حذف خواهد کرد. هر قدر هم که من به اداره مراجعه کردم، در این مورد جوابی نشنیدم.

در پایان با تشکر از تمام همکاران امیدوارم بتوانیم هر فصل دور هم جمع شویم و چنین گفت‌وگوهای سازنده‌ای داشته باشیم.